



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۲۲۴ (از ۸ الی ۱۵ میزان ۱۳۹۶ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار و پالیسی ساز از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

مقدمه ۲

طرح بستن دفتر طالبان در قطر و تاثیرش بر پروسه صلح

پیشینه دفتر طالبان در قطر ۴

نقش دفتر قطر در گفتگوهای صلح ۵

مخالفت ترامپ با دفتر قطر ۶

پیامدهای بستن دفتر سیاسی طالبان ۷

کابل ته د پاکستان د لوی درستیز سفر؛ آیا دوه اړخیزې اړیکې رغېږي؟

کابل-اسلام آباد اړیکې؛ له بې باوريو ډکې ۱۰

کابل ته د پاکستان د لوی درستیز سفر ۱۰

له اسلام آباد څخه د کابل هیلې ۱۱

مقدمه

په قطر کې د طالبانو سياسي دفتر يوازېنې ادرس دی، چې له لارې يې افغان طالبان له بېلابېلو لورو سره په اړيکه کې دي. که څه هم دغه دفتر د حامد کرزي او ملي وحدت حکومت په دواړو دورو کې د افغان حکومت له خوا په رسميت نه دی پېژندل شوی؛ خو بيا هم دغه دفتر له تېرو څو کلونو راهيسې فعاليت درلود او طالبان يې د خپلو سياسي اړيکو لپاره يوازېنې ادرس بولي.

ولسمشر غني څو مياشتې مخکې هم د دغه دفتر د تړلو گواښ کړی و؛ خو اوس بيا دا قضيه ځکه جدي شوې، چې د ځينو راپورونو له مخې ولسمشر ترمپ له ولسمشر غني سره په وروستۍ ليدنه کې د دغه دفتر پر تړلو بحث کړی.

د طالبانو د قطر دفتر تړل به پر طالبانو يو سياسي فشار واردول وي، چې افغان حکومت او امريکا يې ښايي د سولې خبرو ته د طالبانو د مجبورولو د فشارونو يو پړاو وبولي. سره له دې چې د قطر دفتر څو کلن غيررسمي فعاليت تراوسه د سولې د مخامخ رسمي خبرو د پيل لاسته راوړنه نه ده لرلې، چې طالبان يې يو دليل هم د دغه دفتر په رسميت نه پېژندل بولي؛ خو ايا د دغه دفتر بيخي تړل کېدل به د مخامخ خبرو له پيل او د سولې پروسې له بريا سره مرسته وکړي؟ د همدې موضوع پر بېلابېلو اړخونو د ستراتيژيکو او سيمه ييزو څېړنو مرکز د دې اوونۍ د تحليل په لومړۍ برخه کې د مرکز شننه لولئ.

د تحليل په دويمه برخه کې بيا د افغانستان او پاکستان په اړيکو کې پر وروستيو پرمختگونو بحث شوی. تېره اوونۍ د پاکستان لوی درستيز کابل ته په سفر راغی او دا سفر پر پاکستان د نړيوالو فشارونو، په ځانگړي ډول د امريکا د نوې تگلارې له فشارونو وروسته، څه نا څه مهم وگڼل شو. گومان کېږي، چې پاکستان دا مهال د بل هر وخت په پرتله زيات تر نړيوالو فشارونو لاندې دی؛ نو ځکه ښايي په افغان قضيه کې د خپل رول په تړاو په خپله تگلاره کې څه بدلون راولي، چې دا سفر يې ښايي پيلامه وي.

طرح بستن دفتر طالبان در قطر و تاثیرش بر پروسه صلح



هفته گذشته، گزارش‌های ضد و نقیض مبنی بر طرح مسدود شدن دفتر سیاسی طالبان در قطر به نشر رسید. روزنامه گاردین چاپ بریتانیا، پس از ملاقات رئیس جمهور غنی با دونالد ترامپ در نیویارک، در گزارشی نگاشته است که ترامپ در این ملاقات بر بسته شدن دفتر طالبان در قطر پافشاری کرده است. رئیس جمهور غنی اما در یک نشست خبری مشترک با وزیر دفاع امریکا و سرمنشی ناتو در کابل، این خبرها را "شایعه" خواند و گفت که چنین چیزی در دیدار وی با رئیس‌جمهور ترامپ مطرح نشده است. گرچند شایعه خواندن این خبرها به معنای مخالفت رئیس جمهور غنی با مسدود شدن دفتر قطر نیست، چون وی حدود هفت ماه پیش در دیدار با وزیر خارجه قطر در حاشیه نشست امنیتی مونیخ گفته بود که اگر طالبان به پروسه صلح نپیوندند، این دفتر باید بسته شود.

هرچند در این مورد تاکنون گام‌های عملی برداشته نشده، ولی مخالفت‌هایی نیز در سطوح مختلف با این طرح وجود دارد. شورای عالی صلح می‌گوید که درهای صلح نباید بسته شوند. انجنیر گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان نیز با مسدود نمودن دفتر سیاسی طالبان در قطر مخالفت کرده و ضمن تاکید بر مذاکرات با طالبان، بستن این دفتر را کار بی‌فایده توصیف کرده است. دفتر سیاسی طالبان نیز با نشر اعلامیه‌ای،

امریکایی‌ها و حکومت افغانستان را متهم به جلوگیری پروسه صلح کرده و هشدار داده که اگر دفتر این گروه در قطر بسته شود، مسؤولیت پیامدهای آن بر عهده دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی خواهد بود. طالبان همواره دفتر قطر را به عنوان یگانه آدرس گفتگوهای صلح عنوان کرده است، آدرسی که حکومت افغانستان آنرا به رسمیت نشناخته است.

در این تحلیل بر پیشینه ایجاد دفتر طالبان در قطر، نقش این دفتر در گفتگوهای صلح و نیز پیامدهای بسته شدن این دفتر بر پروسه صلح و جنگ جاری در افغانستان، پرداخته شده است.

پیشینه دفتر طالبان در قطر

در نهم ماه سرطان سال ۱۳۸۸ هـ ش یک سرباز امریکایی به نام "باو برگدال" در ولایت پکتیکا به دست طالبان افتید و از سوی دیگر، همین سال و سال‌های بعد از آن خونین‌ترین سال‌ها برای سربازان امریکایی بود، لذا امریکایی‌ها به ضرورت گفتگوها با طالبان پی بردند و در استراتژی جنگی خود گفتگو با مخالفین مسلح را نیز اضافه نمودند.

ایمیل فیضی سخنگوی حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین در مقاله‌ای در سال ۱۳۹۲ گفته بود که امریکا و طالبان در سال ۱۳۹۰ هـ ش به توافق ایجاد دفتر طالبان در قطر دست یافته بودند، ولی امریکایی‌ها اندکی قبل از کنفرانس دوم بن، حکومت افغانستان را از این توافق آگاه ساختند. به قول یک منبع طالبان، این زمانی بود که طیب آغا رئیس پیشین دفتر قطر، پیش از برگزاری کنفرانس دوم بن در آلمان به سر می‌رد، ولی به دلیل مخالفت حامد کرزی در کنفرانس بن اشتراک نکرد.

طالبان در ۱۳ ماه جدی سال ۱۳۹۰ هـ ش اعلامیه‌ای در رابطه به مذاکرات صلح با ایالات متحده، به نشر رساندند و در مورد دفتر سیاسی این گروه در قطر تصریح کردند که آن‌ها با دولت قطر و سایر جهت‌های ذیربط به یک توافق ابتدایی دست یافته‌اند، اما تاریخ دقیق افتتاح این دفتر را اعلام نکردند. پس از آن، حکومت افغانستان با دفتر طالبان در قطر مخالفت کرد و به همین دلیل افتتاح این دفتر در دوحه قطر، به تعویق افتاد.

از یک‌سو در آن زمان روابط حکومت افغانستان با امریکا در وضعیت خوبی قرار نداشت و از سوی دیگر موقف طالبان مبنی بر اینکه با حکومت افغانستان مذاکره نخواهند کرد، تردیدهای حکومت افغانستان را تشدید کرد. به همین دلیل زلمی رسول وزیر خارجه افغانستان در ماه جدی سال ۱۳۹۱، در یک نشست استماعیه ولسی

جرگه گفت: «تا زمانیکه طالبان آمادگی شان به گفتگو با حکومت افغانستان را اعلام نکنند، حکومت افغانستان با گشایش دفتر آنان در قطر موافقت نخواهد کرد.»

در همین ماه رئیس جمهور کرزی سفری به امریکا داشت که به گفته سخنگوی او «مقام‌های امریکایی موضوع ایجاد دفتر طالبان در قطر را در آجندای مذاکرات دوجانبه شامل ساخت». پس از آن حکومت افغانستان توافق مشروط خود با گشایش این دفتر را اعلام کرد و به تاریخ ۲۸ جوزای ۱۳۹۲ رسماً افتتاح گردید.

هرچند گفتگوها در مورد ایجاد دفتر قطر از سال ۱۳۸۹ به این سو آغاز شده بود، ولی این دفتر رسماً در سال ۱۳۹۲ گشایش یافت. ولی در همان اوایل به دلیل برافراشتن پرچم طالبان و لوحه «امارت اسلامی» بر فراز ساختمان آن، با مخالفت شدید حکومت افغانستان روبه‌رو شد و به تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۹۲ رسماً دوباره بسته شد، اما این دفتر به شکل غیررسمی تا امروز باز است و نه تنها فعالیت‌های اش را تا امروز ادامه داده‌اند، بلکه طالبان آنرا یگانه آدرس خویش برای گفتگوهای صلح عنوان می‌کنند.

نقش دفتر قطر در گفتگوهای صلح

تلاش‌های صلح در زمینه گفتگوهای مستقیم میان حکومت و طالبان تا امروز توفیقی نداشته است که به دلایل مختلف برمی‌گردد و این چیزی است که بر نقش و موجودیت دفتر طالبان در قطر نیز سایه افکنده است.

هرچند طالبان چندین بار اعلام کرده که دفتر آنان در قطر از صلاحیت تمامی گفتگوهای سیاسی به نمایندگی از این گروه برخوردار است، ولی حکومت افغانستان این دفتر را به عنوان آدرس طالبان به رسمیت نشناخته و تلاشی برای گفتگوهای مستقیم با طالبان از طریق این دفتر نیز صورت نگرفته است.

طالبان توانستند از طریق این دفتر با کشورهای مختلف روابط برقرار کنند، در کنفرانس‌های بین‌المللی اشتراک کنند و موقف شان را در رابطه به صلح افغانستان ابراز نمایند. در کنار این، طالبان از طریق دفتر قطر با نخبه‌ها و سیاسیون افغان ملاقات‌ها و دیدارهایی انجام داده‌اند و در رابطه به قضیه افغانستان با آنها تبادل نظر کرده‌اند.

اهمیت این دفتر زمانی بیشتر شد که تبادله یک نظامی امریکایی با پنج زندانی مهم طالبان از طریق همین دفتر صورت پذیرفت. در کنار این، نظامیان سایر کشورها مانند تاجکستان و روسیه نیز از طریق همین دفتر از بند طالبان رها شدند.

در کل، هرچند فعالیت‌های غیررسمی چندساله این دفتر به آغاز گفتگوهای مستقیم با حکومت افغانستان نیانجامید، ولی موجودیت این دفتر زمینه‌ساز گفتگوهای غیررسمی و پشت‌پرده میان نمایندگان طالبان و حکومت افغانستان گردیده است.

مخالفت ترامپ با دفتر قطر

با آنکه رئیس جمهور امریکا تاکنون رسماً با موجودیت دفتر طالبان در قطر مخالفت نکرده، ولی گزارش روزنامه گاردین دال بر مخالفت ترامپ با دفتر سیاسی طالبان در دوحه است.

این روزنامه می‌نگارد که دونالد ترامپ در دیدار با تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر نیز در مورد بسته شدن دفتر طالبان صحبت کرده است. در تازه‌ترین مورد وزیر دفاع امریکا گفته است که امریکا به زودی در این باره تصمیم خواهد گرفت.

اینکه چرا ترامپ مخالف دفتر طالبان در قطر است؟ عوامل آنرا می‌توان چنین برشمرد:

- بر بنیاد استراتژی جدید امریکا برای افغانستان و جنوب آسیا، مبارزه سرکوبگرانه نظامی با طالبان در اولویت قرار دارد. به همین دلیل، تعطیل یا حد اقل تاخیر در گفتگوهای صلح با این گروه پیش‌بینی می‌شود. امریکا و حکومت افغانستان در تلاش فشارهای بیشتر نظامی و سیاسی بالای طالبان اند و مخالفت با دفتر طالبان در قطر نیز یکی از گزینه‌های فشار سیاسی بالای طالبان به شمار می‌رود.
- وضع محدودیت‌ها علیه قطر که به درخواست عربستان سعودی و امارات متحده عربی -دو شریک مهم منطقوی امریکا- برای منزوی کردن قطر صورت می‌گیرد. عربستان سعودی فعالیت این دفتر را نماد اعتبار دیپلماتیک قطر می‌داند. سفیر عربستان سعودی در کابل چندی پیش صریحاً مخالفت کشورش با این دفتر را ابراز کرد و گروه طالبان را برای نخستین بار یک گروه "تروریستی" خطاب کرد. بنابراین، دلیل دیگر مخالفت با دفتر سیاسی طالبان لیبیک گفتن به درخواست عربستان سعودی و امارات متحده در این مورد است. نزدیکی قطر به ایران نیز ممکن انگیزه ترامپ به این کار را بیشتر کرده است.

- ترامپ می‌خواهد نشان دهد که گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر یک ابتکار ناکام بارک اوباما رئیس‌جمهور پیشین امریکا بود و این دفتر در رابطه به مذاکرات صلح با طالبان نقشی ایفا نکرده است.

پیامدهای بستن دفتر سیاسی طالبان

حکومت افغانستان تاکنون درخواست قاطعی برای بستن دفتر قطر رسماً اعلام نکرده است و برخی دیپلمات‌های امریکایی نیز با مسدود نمودن این دفتر مخالف اند، اما تصمیم نهایی مسدود شدن این دفتر به دست دولت قطر خواهد بود. در حالیکه مقام‌های دولت قطر اعلام کردند که در صورت درخواست حکومت افغانستان و امریکا، دفتر طالبان در این کشور را خواهند بست. پرسش اینجاست که اگر این دفتر بسته شود، روی پروسه صلح افغانستان چه تأثیراتی خواهد داشت؟ در این مورد چند نکته ذیل قابل تامل است:

نخست: بسته شدن تنها دفتر نماینده‌گی سیاسی طالبان در دوحه، می‌تواند با واکنش تند این گروه مواجه شود و تلاش‌های دولت پیشین و کنونی برای رهیافت به یک راه‌کار صلح‌آمیز با طالبان را با شکست مواجه سازد. از سوی دیگر، طالبان اکنون با کشورهای منطقه و جهان روابط دارند که حکومت افغانستان نیز آنرا تایید می‌کند، بناء اگر دفتر قطر بسته شود، آن‌ها راه‌های بدیلی را در پیش خواهند گرفت. بستن این دفتر به دلیل اینکه امریکا و حکومت افغانستان گزینه نظامی را در پیش می‌گیرند، مشوق جنگ طالبان نیز خواهد شد.

دوم: این دفتر با انگیزه خارج شدن طالبان از کنترل پاکستان ایجاد شده است و این کشور از همان ابتداء با ایجاد دفتر قطر مخالف بود. اگر دفتر طالبان در قطر بسته شود، این گروه استقلالیت نسبی شان را از دست خواهند داد. در حالیکه حکومت افغانستان و امریکا می‌خواهند در برابر مداخلات پاکستان مقابله کنند.

سوم: حکومت افغانستان این دفتر را به گونه‌ای رسمیت بخشیدن و مشروعیت دادن به گروه طالبان تلقی می‌کند، ولی حقیقت این است که جستجوی راه‌حل‌ها برای جلوگیری از جنگ خونین جاری در کشور مهم‌تر از این نگرانی‌هاست. طالبان عملاً بر حدود ۴۰ درصد خاک افغانستان تسلط دارند و اکنون یک واقعیت نظامی-سیاسی انکار نشدنی در قضیه افغانستان اند. این اقدام، آخرین امید برای دست یافتن به یک راه‌کار صلح-جویانه با طالبان را از میان می‌برد و راهی جز مبارزه نظامی با طالبان، باقی نمی‌ماند.

چهارم: مردم افغانستان و جهت‌های درگیر در قضیه افغانستان به نیاز مصالحه با مخالفین مسلح حکومت پی برده‌اند و یک‌ونیم دهه گذشته ثابت ساخته است که راه حل قضیه افغانستان قطعاً جنگ و توسل به گزینه نظامی نیست. در حالیکه دفتر طالبان در قطر تا حدی نشان دهنده علاقه طالبان به مذاکرات سیاسی است، بناء، اگر صلح اولیت کشور باشد، درهای صلح نباید بسته شود، بلکه راه کارهای موثر برای موفق شدن آن جستجو شود.

کابل ته د پاکستان د لوی درستیز سفر؛ آیا دوه اړخیزې اړیکې رغېږي؟



تېره اوونۍ د پاکستان لوی درستیز جنرال قمر جاوېد باجوہ د پاکستانی لوړپوړو نظامي چارواکو د یوه پلاوي په مشرۍ کابل ته راغی او په ولسمشرۍ ماڼۍ کې یې له افغان ولسمشر اشرف غني او نورو لوړپوړو افغان چارواکو سره وکتل.

دغه سفر داسې مهال وشو، چې له یوې خوا څه باندې یوه میاشت وړاندې د امریکا ولسمشر ډونالد ټرمپ د سوېلي آسیا او په تېره بیا افغانستان په تړاو خپله بهرنۍ تگلاره روښانه کړه او له بلې خوا د کابل-اسلامآباد اړیکې د ملي یووالي حکومت د پیل په پرتله تربینګلې، د بې باوريو ښکار او سپرې دي.

دا چې د پاکستان د لوی درستیز سفر له ځان سره څه لري؟ او په ټول کې به دا ډول سفرونه د کابل پر هیلو راوڅېږي کنه؟ دلته یې په اړه شننه لولئ.

کابل-اسلام آباد اړیکې؛ له بې باوريو ډکې

د افغانستان او پاکستان د دوه اړخیزو اړیکو پیل رغند نه و. له همدې کبله ده، چې په تېرو اوو لسیزو کې د دواړو هېوادونو اړیکې تر ډېره د بې باوريو ښکار وې. که څه هم افغانستان په پیل کې، د خپلې خاورې له کبله، په ملګرو ملتونو کې پاکستان په رسمیت ونه پېژانده او په رسمي توګه د ډیورنډ کرښې د نه منلو قضیه تر ننه راغځېدلې ده؛ خو بیا یې هم، ان د پاکستان د نه منلو پرمهال د ملګرو ملتونو پر سټیج وروستی خبره د خیبر پښتونخوا پښتنو ته پرېښوده. همدا لامل و، چې له هند سره د پاکستان د دوو جګړو پرمهال هم، افغانستان له پاکستان سره له ژورو اختلافاتو سره سره ناپېیلی پاتې شو.

د پاکستان د تېرو اوو لسیزو افغان تګلاره له دې وېرې او اندېښنې خړوبېرې، چې یو راپورته کېدونکې، پیاوړې او ځواکمن افغانستان پاکستان ته ګواښ دی. له همدې کبله پاکستان په افغانستان کې د ستراتیژیک عمق په لټه کې دی، ترڅو دغه وېره او اندېښنې له هند سره د افغانستان د اېتلاف له جوړېدو سره خنثی کړي. ځکه نو د دغو دواړو هېوادونو ترمنځ د بې باوريو اصلي لامل له وخته مخکې د اسلام آباد اندېښنې او وېرې دي.

کابل ته د پاکستان د لوی درستیز سفر

که څه هم له دې وړاندې د بارک اوباما په دوره کې هم، د پاکستان او امریکا اړیکې په دوو وختونو کې ډېرې تربینګلې شوې. لومړۍ هغه مهال، چې کله امریکا په پاکستان کې د اسامه بن لادن پرضد عملیات وکړل. دویم، چې کله امریکایي ځواکونو د سلالې پر پوسته برید وکړ او پاکستانی پوځیان یې پکې ووژل. پاکستان په غبرګون کې ترڅو میاشتو پورې د ناټو اکمالاتي لاره وتړله؛ خو د ټرمپ له راتګ سره پر پاکستان فشارونه زیات شوي دي. له همدې امله پاکستان د ټرمپ له واک ته رسېدو سره، په سیمه کې نور ځان د امریکایي اېتلاف برخه نه ګڼي او د امریکا ځای ډکولو لپاره یې له چین او روسیې سره خپلې اړیکې نورې هم غځولې دي.

له بلې خوا که څه هم، پاکستان تر ډېره بریده په خپله خاوره کې د داسې وسله والو ډلو شتون ردوي، چې په نورو هېوادونو کې فعالیت ولري؛ خو تېره میاشت د برېکس سازمان، چې د پاکستان ستراتیژیک ملګری چین یې مهم غړی دی، په یوه بې ساري سیاست کې په پاکستان کې د افغان طالبانو او حقاني شبکې ترڅنګ د جیش محمد او لشکر طیبه ډلو فعالیت وغانده او په دې توګه ورو ورو پر پاکستان نړیوال فشارونه د زیاتېدو په لور روان دي.

پر پاکستان د وروستیو فشارونو له کبله ده، چې کابل ته د دغه هېواد د لوی درستیز سفر لاندې موخې لرلې:

لومړۍ؛ کابل ته د پاکستان د لوی درستیز د سفر یوه موخه دا وه، چې تر څه حده پر پاکستان زیاتېدونکي نړیوال فشارونه راکم کړي.

دویم؛ د ترمپ د نوې تگلارې له مخې په افغانستان کې د هند د رول پر زیاتولو ټینګار شوی. ښایي د پاکستانی نظامیانو یوه موخه به دا هم وي، چې د پاکستان او په تېره بیا د نظامیانو اندېښنې له افغان چارواکو سره شریکې کړي.

درېیم؛ دغه سفر به شاید د پاکستان او افغانستان ترمنځ د بنديانو تبادلي ته لاره هواره کړي او که ممکنه وه، نو په دویم قدم کې بیا د سولې د خبرو اترو بیا پیلولو ته.

له اسلامآباد څخه د کابل هیلې

افغان حکومت په خپله اعلامیه او په پاکستان کې افغان سفیر په خپله ټویټرپاڼه کې له دغه سفر او د غونډې له جریانه هرکلی کړی دی. افغان حکومت دا سفر او کتنه «رغوونکې» ګڼلې ده. دغه سفر په ټولیز ډول درې لاسته راوړنې لري:

لومړۍ؛ د کابل-اسلامآباد د سړو اړیکو کنگل یې مات کړ.

دویم؛ پر پاکستان به د نړیوالو فشارونو د راکمولو په برخه کې مرستندوی واقع شي.

درېیم؛ په بېلابېلو برخو کې یې د همکارۍ زیاتولو په تړاو یو سیستماتیک نظم ته لاره هواره کړه.

له دې سره سره به د افغان حکومت هیلې تر ډېره د پاکستان له خوا د عملي ګامونو پورته کول وي؛ ځکه کابل په تېرو درېیو کلونو کې د اسلامآباد له خوا ډېرې تودې ژمنې ترلاسه کړې دي او بیا همېشه د اړیکو د خرابېدو یو عمده لامل هم دا و، چې د پاکستان ډېری ژمنو د عمل جامه نه ده اغوستې.



ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com

شماره تماس دفتر: (+93) 784089590

ارتباط با مسؤولین:

دکتور عبدالباقي امین، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ومنطقوی: abdulbaqi123@hotmail.com (+93) 789316120

حکمت الله خلاند، مسؤول بخش پژوهش‌ها و نشرات: hekmat.zaland@gmail.com (+93) 775454048

یادآوری: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.